

ویلیام شکسپیر

در بیست و ششم آوریل ۱۵۶۴، در کلیسای «استراتفورداون آون» کودکی را تعمید دادند که امروز آوازه نبوغش جهان را فرا گرفته است. ریچارد شکسپیر پدر بزرگ ویلیام شکسپیر شاعر و درام‌نویس، در دهکده‌ای در مجاورت شهر استراتفورد به اجاره‌داری مشغول بوده است. پسرش جان شکسپیر که ظاهراً مرد فعال و مجربی بود، در شهر استراتفورد ساکن می‌شود و بشغل دستکش دوزی و چرم‌فروشی اشتغال می‌جوید (در جایی دیگر آمده است که جان شکسپیر از امنای انجمن شهر استراتفورد بوده از سال ۱۵۶۱-۱۵۶۳ یکی از دو نفری بود که امور مالی شهر را اداره می‌کردند) بهرحال در سال ۱۵۵۷ میلادی در نتیجه ازدواج با دختری یکی از کشاورزان متمول دهکده مجاور وضع مالی او بهتر شد و از این تاریخ جان شکسپیر در شهر استراتفورد به شهرت رسید.

تولد ویلیام شکسپیر: در اواخر ماه آوریل ۱۵۶۴ میلادی ویلیام شکسپیر پسر ارشد جان شکسپیر بدنیا آمد، و در روز ۲۶ همان ماه غسل تعمید داده شد. پژوهش‌گران روز تولد شکسپیر را ۲۳ آوریل دانسته‌اند ولی دلیل و مدرکی بدست نمی‌دهند و چون مرگش در روز ۲۳ آوریل ۱۶۱۶ اتفاق افتاده است احتمال می‌رود که روز مرگ او را به اشتباه به جای روز ولادتش گرفته باشند و یا اینکه بعضی از دوستان او وی پسندیده‌اند که تولد و وفات شکسپیر را در یک روز قرار دهند.

بهرحال تولد او دیرتر از ۲۶ آوریل ۱۵۶۴ نیست. برپایه مجسمه‌ای که در طاقچه دیوار بالای گورش نصب است، کتیبه‌ای دیده می‌شود که در آن گفته شده در روز وفاتش یعنی روز ۲۳ آوریل ۱۶۱۶ ناز به سال پنجاه و سوم عمر خود گذاشته بود.

شهر استراتفورد: شهر استراتفورد که شکسپیر در آن ایام طفولیت و دوره‌های آخر عمرش را در کمال خوشی و افتخار بسر برد، شهر کوچکی بود که تقریباً هزار و چهارصد خانواده در آن ساکن بوده‌اند. ساختمان‌های مهم آن عبارت بود از یک کلیسای زیبا و یک

تالار بزرگ این تالار متعلق به هیئت اصناف بود و گاه‌بگاه نمایش‌گران دوره‌گرد از آن استفاده می‌کردند و بازی‌های خود را در آن به معرض نمایش می‌گذاشتند.

تحصیلات شکسپیر: در استراتفورد دبیرستانی بود که در نتیجه جنگ‌های مذهبی از بین رفته بود و در زمان کودکی شکسپیر اثری از آن باقی نمانده بود. هنگامی که (ویلیام) قصد درس خواندن داشت، در زادگاه او فقط یک مدرسه ابتدایی بنام (گرامر اسکول) وجود داشت که سال‌ها بعد از شکسپیر پژوهش‌گران با حدس و قرینه دریافتند که با احتمال قوی در سال‌های ۱۵۷۰ تا ۱۵۷۲ رییس این دبستان (والتر روش) از استادان کالج کریستای اکسفورد بوده است و باین نتیجه رسیدند که: «معلومات شاگردان آن دوره این مدرسه تا حدی بالا بوده است».

ترک تحصیل: شکسپیر به فولی ۱۳ و به روایتی ۱۴ سال داشت که مجبور به ترک تحصیل شد و از درس خواندن بازماند...

بگفتار روشن‌تر از این سنین بود که در برابر ناملایمات و دشواری‌های زندگی فرار گرفت و با آن‌ها به ستیزه پرداخت علت ترک تحصیل شکسپیر ضعف مالی خانواده او بود. چه در سال ۱۶۷۷ کار پدر او از رونق افتاد و مدتی بعلت وام‌های زیادی که داشت زندانی شد و سپس می‌خوارگی پیشه کرد و اموال و دارایی خود را فروخت و بالاخره این وضع آن‌چنان ادامه پیدا کرد که ویلیام ناگزیر به ترک تحصیل شد.

ازدواج شکسپیر: ویلیام در سن ۱۸ سالگی با اجازه اسقف ورجستر با (آن‌هانای) در ۲۷ نوامبر ۱۵۸۳ در کلیسای واقع در (تمپل گرافتن) در نزدیکی استراتفورد ازدواج کرد. فرزند اولشان شش ماه پس از ازدواج بدنیا آمد این فرزند دختری بود که او را سوزانا نامیدند. در سال ۱۵۸۵ دوقلویی (یک پسر و یک دختر) بدنیا آمدند که آن‌ها را (هامنت) و (جودیت) نامیدند که در کلیسای استراتفورد تعمید یافتند.

آن‌هانای ۸ سال از شکسپیر بزرگتر بود - تا اینکه ویلیام ناگهان تنها و بدون زن و فرزند به لندن پناه می‌برد و در این‌باره بسیار روایت آمده است که درباره آن صحبت نمی‌کنیم. (یکی آن که ویلیام شبی در یکی از دهکده‌های مجاور استراتفورد می‌خواری شدیدی می‌کند و نزاعی درمی‌گیرد و بهمین خاطر از استراتفورد به لندن می‌رود)

رفتن شکسپیر به لندن: تاریخ رفتن شکسپیر را به لندن سال ۱۵۸۵ گفته‌اند. شکسپیر در لندن با بازیگرانی آشنایی پیدا می‌کند. ولی به درستی معلوم نیست که چگونه؟ در ایام طفولیت موفق شده بود که بعضی از نمایش‌هایی که در شهر استراتفورد داده می‌شد مشاهده کند. در دوره کدخدایی پدرش در استراتفورد دو گروه از نمایش‌گران مهم بدان

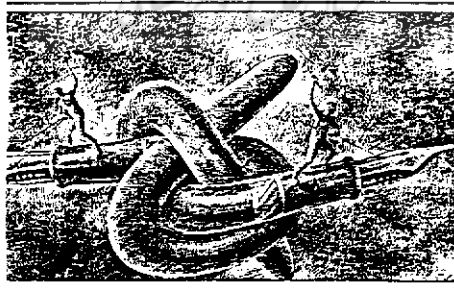
شهر رفتند و جان شکسپیر کمال مهربانی و تفقد را درباره آن‌ها ابراز داشت و اجازه داد که زیر حمایت هیئت اصناف شهر، بازی‌های خود را در تالارهای شهرداری نمایش بدهند. از آن روز به بعد مکرر، گروه‌های مختلف نمایش‌گر به شهر مزبور می‌رفتند و نمایش می‌دادند. شرکت‌کنندگان در آن‌ها، اغلب از مهمترین نمایش‌گران زمان بودند و لابد شکسپیر برای تماشای نمایش‌های مزبور حاضر می‌شد و آگاهی‌هایی به دست می‌آورد. ممکن است در آن زمان با بازیگران لندن آشنایی یافته پس از ورودش به لندن از آن‌ها استمداد کرده باشد. ولی بنا به روایتی، هنگامی که شکسپیر به لندن رفت هیچ تصمیم نمایشگری یا درام‌نویسی نداشت و پس از ورودش بدان شهر این علاقه در او ایجاد شد.

شکسپیر در لندن (۱۵۹۲ - ۱۵۸۵): به روایتی، در آغاز کار در تماشاخانه پادو بوده و در ضمن اسب‌های اعیان و اشرافی را که سواره بدیدن نمایش می‌رفتند، بیرون تماشاخانه نگاهداری می‌کرده است. روایت شده که شکسپیر بزودی در کار اسب‌نگهداری کارش بالا گرفت و چندین شاگرد استخدام کرد که به پادوهای شکسپیر معروف بودند وقتی شکسپیر وارد عالم بازیگری شد نخست برای پادویی استخدام شد و به کارکنان تماشاخانه خدمت میکرد. پس از چندی برای دستیاری با سوفلر نامزد شد. در ضمن به رژیوسور نمایش نیز کمک می‌کرد. اوضاع مالی او در این موقع نسبتاً خوب بوده چنانکه در سال ۱۵۸۷ که پیش پدر خود رفت مبلغ بیست‌لیبره برای ادای بدهی او خرج کرد. جز این مطلب تا سال ۱۵۹۲ هیچ اطلاعی دیگر در دست نیست. در سال ۱۵۹۲ شکسپیر هم در عالم نمایشگری و هم در عالم درام‌نویسی میان همکاران خود مقام رفیعی حاصل کرده بود. «اوبری» از شکسپیر بعنوان بازیگری زبردست یاد می‌کند با بازی‌اش در نقش آدم در نمایشنامه «هرطور که بخواهید» و «روح» در هاملت، می‌توان گفت که وی در چه نوع نقش‌هایی ظاهر می‌شده است. ولی شکسپیر که در مدت ۱۵ سال نمایشنامه‌های تماشاخانه را می‌نوشت، اهمیتش بعنوان نمایشنامه‌نویس این گروه خیلی بیشتر از بازی کردن در این گروه بود و البته نمایشنامه‌نویسان دیگری نیز وضع نمایشنامه آن گروه را اداره می‌کردند. بطور معمول وی سالی دو نمایشنامه می‌نوشت و با در نظر گرفتن تاریخ نوشتن نمایشنامه‌ها می‌توان گفت که وی در سال‌های اول بیشتر از دو نمایشنامه می‌نوشت. شکسپیر گه‌گاه از طرح نمایشنامه‌های قبلی خود استفاده می‌کرد و از این رو به‌وی تهمت سرهم کردن کارهای دیگران و کارهای اولیه خود را زده بودند. ولی نمی‌توان این احتمال را که دیگران در تهیه آثارش به‌وی کمک می‌کردند، رد کرد. نمایش‌نامه نویس دیگری به نام (فلچر) در اواخر عمر با شکسپیر همکاری زیادی می‌کرد.

شکسپیر با مرگ پسرش هامنت در سن یازده سالگی در ۱۵۹۶ بار دیگر به زادگاه خود یعنی شهر استراتفورد که زن و افراد خانواده اش آنجا بودند رابطه برقرار کرد. در این زمان پدرش جان شکسپیر، مدتی بود که گرفتار قرض و مضیقه مالی بود و حتی طلبکاران به محکمه شکایت کرده و اموال وی را ضبط کرده بودند. اینطور برمی آید که ویلیام وام پدر را پرداخت می کند و برای آن که شرافت خانواده را بازگرداند، برای نشان خانوادگی که سابقاً به پدرش یعنی در زمانی که وی رییس انجمن شهر بود داده بودند، درخواستی تقدیم کرد. در سال ۱۶۰۱ پدرش فوت کرد.

از این تاریخ به بعد وضع مالی شکسپیر روز به روز بهتر شد و برثروتش افزوده شد. نسبت به جمع آوری مال نیز تمایل عجیب نشان می داد چنانکه روایت شده است، کسانی که به او مدیون بودند مکرر بواسطه شکایت او مورد تعقیب قانونی قرار می گرفتند. بطوری که ملاحظه می شود نویسنده بزرگترین شاهکارهای ادبی و درام در زبان انگلیسی، تنها در عالم خیال و تصور، زندگی نمی کرده بلکه در جمع آوری مال نیز استعداد قوی داشته است.

راجع به چند سال آخر زندگی شکسپیر اطلاع زیادی در دست نیست ولی پژوهشگران روایت می کنند که همانطور که اغلب هنروران و دانشمندان آرزو دارند که دوره واپسین زندگانی خود را با فراق بال و بی دغدغه خاطر بسربرند، شکسپیر نیز با داشتن همین آرزو ایام آخر عمر را براحتی و آسایش و به مصاحبت دوستان صمیمی خود، به پایان رسانید. در ماه مارس ۱۶۱۶ شکسپیر ناخوش شد. بنا بر آنچه روایت شده علت بیماری او زیاده روی در می گساری بوده است و در نتیجه شرابخواری بسیار با رفقای صمیمی خود، بن جانسون و دریتون تب سختی براو مستولی شد که او را بستری کرد. روز پنجشنبه ۲۳ آوریل ۱۶۱۶ شکسپیر در پنجاه و دو سالگی جهان را بدرورد گفت و در روز ۲۵ همان ماه در کلیسای استراتفورد به خاک سپرده شد.



نقل از: کارنامه مطبوعات - اردیبهشت ماه ۷۵